مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره دهم دوشنبه ۲۳ جدی ۱۳۸۱ - ۱۲ ذوالقعده الحرام ۱۴۲۳ - 13 January 2003

سرمقاله
تطبیق دموکراسی در افغانستان
ص۲

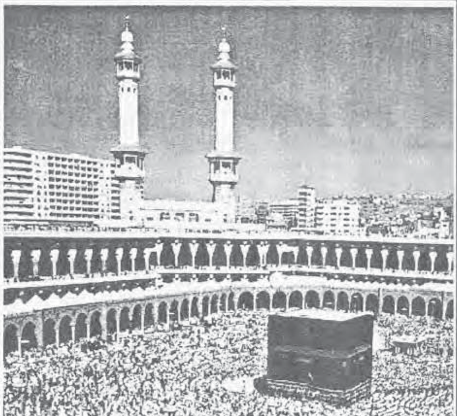
یو والي او ملي تفاهم
۲مخ

نگاهی دیگر برچگونگی ارزش پول جدید
ص۲

استاد برهان الدین ربانی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی ان ان:

لویه جرگه موقعی خوب بود برای ساختن اردوی ملی وتصمیم براین که گروه های مسلح دیگر در چهار چوب سازمانها فعالیت نکنند

• **در کابینه آقای کرزی یک نوع تضاد وجود دارد و از این روی او به مشکل مواجه است.**
ص۳



اسرار دقایق حج
ص۶

سیمینار "چگونه می توان دموکراسی را در افغانستان تطبیق کرد" به کار آغاز کرد

دیروز یکشنبه خانم مسعوده جلال رئیس موسسهٔ رفاه عامه افغانستان با اشتراک موسسهٔ آلمانی سیمینار سه روزه علمی - تحقیقی را زیر عنوان "چگونه می توان دموکراسی را در افغانستان تطبیق کرد" در هتل ستاره شهر نو کابل دایر کرد. نشست روز نخست سیمینار دو بخش داشت، قبل از ظهر و پس از ظهر. جلسه پیش از ظهر با تلاوت آیاتی از قرآن کریم توسط قاری برکت الله سلیم آغاز گردید ، سپس خانم مسعوده جلال ضمن خوش آمدید گفتن به حاضران به بیان اهمیت تدویر سیمینار و به ارزش و اهمیت جستجوی راه های تطبیق دموکراسی در حال و هوای کنونی کشور پرداخت.

سپس هریک خانم فاطمه گیلانی و استاد ربانی و آیت الله محسنی و نماینده رئیس دولت سید طیب جواد، استاد آهنگ به نمایندگی از پوهنتون کابل وعبدالباری راشد به نمایندگی از اکادمی علوم افغانستان سخنانی و مقالتی ایراد کردند.

استاد ربانی در خلال سخنان مبسوطش در پیرامون دموکراسی گفت: اسلام با جوهر دموکراسی که حکومت مردم
ص۵



پارلمان کشور ۹۳ عضو خواهد داشت

کمیسیون تدویر ملی جرگه که اخیراً طی فرمان آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان و تحت ریاست عبدالرحیم عباس کریمی وزیر عدلیه و با عضویت نزده نفر، در آخرین نشست خود فیصله نمود تا ملی جرگه یا پارلمان آینده کشور دارای نودوسه عضو باشد. این پارلمان یک طبقه یی است یعنی مجلس سنا ندارد. تمام اعضای ملی جرگه از میان اعضای لویه جرگه اضطراری که در ماه جنوری گذشته دایر گردید و بر ادامه
ص۶

فاکولته شرعیات پوهنتون کابل چهل وششمین دور فارغ التحصیلان خودرا جشن گرفت

شنبه ۲۱ جدی استادان و محصلان فاکولته شرعیات پوهنتون کابل به مناسبت چهل وششمین دور فارغ التحصیلان خود در هتل ستاره شهر نو کابل جشنواره یی برگزار کردند.

در این محفل افزون بر شماری کثیر از استادان و محصلان این فاکولته شخصیت هایی مهم دولتی و ملی شرکت ورزیده بودند. استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت، معینان وزارت تحصیلات عالی، استاد دریغ و معین اداری ستره محکمه مولانا معنوی از شرکت کنندگان در این محفل بودند. پوهاند عبدالعزیز استاد و رئیس فاکولته شرعیات در پهلوی سایر فاکولته های پوهنتون کابل در پیشرفت و ترقی کشور از آغاز کار در سال ۱۳۳۳ تاکنون توضیحاتی داد و نقش این کانون را در شرایط کنونی مهم تر خواند. و ستایش از کارنامه های جاودانهٔ احمد شاه مسعود در دفاع از استقلال و آزادی کشور تأسی از نقش پای او را از مسوولیت های فارغ التحصیلان جدید بر شمرد. او خطاب به فارغ التحصیلان گفت توجه به اهداف انقلاب و جهاد و تلاش در جهت تأمین وحدت ملی و تصویر نکو از اسلام و ظیفه ورسالت شما ست. استاد در این محفل سخنانی مسبوط در پیرامون نقش فاکولته شرعیات در حرکت ها ی علمی و سیاسی معاصر کشور ایراد فرمودند.

استاد در بخشی از سخنانش گفت:پیش از تأسیس فاکولته شرعیات پوهنتون کابل علما و دانشمندانی وجود داشتند که در پاسداری و توسعهٔ علوم و معارف اسلامی تلاش می ورزیدند اما استادان و تحصیلکردگان فاکولته شرعیات در سه چهار دهۀ اخیر در دفاع از آموز ه های دینی و توسعه فرهنگی افغانستان نقش انکار نا پذیر باز ی کرده اند.

ایشان با تو جه به شرایط کنونی کشور نگاهی به نقش مسلمانان در ایجاد تمدن و فرهنگ انسان انداختند و نقش آنان را در پایه گذاری تمدن کنونی غرب برجسته خواندند. به جاست این سخنان استاد به گونه مستقل اقبال چاپ یابد..

مولانا معنوی به نمایندگی از رئیس ستره محکمه سخنانی ایراد کردو گفت: رسالت و مسوولیت فارغان بس بزرگ است . فارغ التحصیلان گمان نزنند که با پایان تحصیلات رسمی کارشان تمام شده است بلکه کار اصلی انان پس از این آغاز می یابد. و باید فارغ التحصیلان شرعیات بدانند که مسوولیت آنان دو چندان است. دیگران شاید دربارۀ کار های دنیا مسوولیت دارند و اینان هم در بارۀ کار های دنیا و هم در بارۀ مسائل دین مسوول هستند ، به ویژه دراین شرایطی که متأسفانه طالبان از اسلام چهره بدی تصویر کردند مسوولیت شان بیشتر شده است.
ص ۵

دکندهار او هلمند د مشرانو په غونډه کې:

ملت د استادرباني پرتاریخي قرباني وياړي چې واک يې ښاغلي حامد کرزي ته ورکړ

تیره شپه د جمعیت اسلامي افغانستان په مرکزي دفتر کې دکندهاراو هلمند درنو مشرانو له محترم استاد رباني سره وکتل.

په دې کتنه کې د کندهار والي محترم حاجي ګل آغا شیرزي، د قول اردو قوماندان خان محمد خان، مولوي غلام محمد او د امنیې قوماندان اکرم خان او نورو معززین هم وو.

لومړي واصل نورخان د رنو میلمنو ته ښه راغلاست ووایه او بیا وربسې استاد رباني په پښتو خبري وکړي او د مجاهدینو دري ځانګړني يې بيان کړي:

(الف) د شوروي يرغلګرانو سره د جهاد د پړاو.

(ب) د هېواد د خپلواکي او ځمکني پشپړتیا د خوندیتوب لپاره د مقاومت پړاو.

(ج) د بیا رغاوني ، ثبات او نظام جوړوني پړاو.
۸مخ

مطالب دیگر صفحات داخل

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل– چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹

سرمقاله

تطبیق دموکراسی در افغانستان

"چگونه می توان دموکراسی را در افغانستان تطبیق کرد"

عنوان سیمیناری علمی – تحقیقی است که همین اکنون در هتل ستاره شهر کابل دومین روز کارش را ادامه می دهد و فرهنگیان و نخبگانی در آن این موضوع را از پهلو های مختلف و زاویه های گونه گون به بررسی می گیرند.

راستی دموکراسی در مفهوم راستینش "یک حکومت جمعی که درآن ازبسیاری لحاظ اعضای اجتماع به طورمستقیم یا غیر مستقیم در گرفتن تصمیم هایی که به همهٔ آنان مربوط می شود شرکت دارند ،یا می توانند شرکت داشته باشند" که آزادی های راستین انسانی و عدالت و منافع جامعهٔ انسانی را تأمین می کند ،گمشدهٔ قرنهای جامعهٔدردمند ما و داروی بیشتر ینهٔ درد های آن است.

مفهوم متضاد دموکراسی استبداد و دیکتاتوری است که نماد ارادهٔ فردی یا یک گروه ویژه بر ارادهٔ جامعه است.

توده های مردم در سراسر جهان و در سراسر تاریخ بشری از نظامهای استبدادی بیزاری جسته و خواسته های انسانی خویشتن را در کنار نظامهای دموکراتیک جستجو کرده اند و در این راه قربانیهایی فراوان داده اند.

بی گمان جان مایهٔ همه مبارزات مردم مارا نیز در درازای تاریخ و به ویژه در تاریخ معاصر کشورمان همین خواست تشکیل می داده است، هر چند به ظاهر نام دموکراسی در آنها علم نشده باشد که در چنین مواردی" اعتبار به مفاهیم ومعانی است نه به الفاظ و مبانی"

برای این که مابه وصال این شاهدمحبوب رسیم ومجال بازگفتن داستادنهای غم اندود فراقش را با او دریابیم موارد زیرا را لازم به تذکار می انگاریم:

۱–علل و اسباب به وجود آمدن استبداد و نظامهای خود کام در افغانستان بررسی و ریشه یابی گردد که آنها ازلحاظ فرهنگی و تاریخی و نمادی سر در کجا دارند.

۲–دفتری از سوی ریاست دولت ایجاد شود تا خواسته های موجه مردم را از خلال اجتماعات و سیمینار ها وکنفرانس ها مطالعه کند و به آگاهی مقامات دولت برساند تا رابطه یی میان مردم و دولت به میان بیاید .

۳–احزاب وسازمانهای سیاسی به جای تبلیغ درپیرامون شخصیت ها و مسائل کم بها به بسط و توضیح آرمانها و برنامه های خویش بپردازندتامردم دربارهٔ برنامه های آنها درروشنی قرار گیرند.

٤–به حاکمیت ملی باید توجه جدی صورت گیرد زیرا اگر حاکمیت ملی وجود نداشته باشد، دموکراسی و رأی گیری وانتخابات ازاد مفهومی ندارد؛ نظیر انتخاباتی که در فلسطین وبرخی از جایهای دیگر انجام می گیرد.

٥–جلو قانون شکنی ها و کار هایی که دموکراسی را زیر پرسش می برد گرفته شود مانند : دادن صلاحیتهایی به برخی از افراد وانجام کارها و امضای قرار داد هایی توسط برخی از معینان و وزیران که آن کارها از حیطه صلاحیتهای آنان خارج است، به گونه مثال همین اکنون چنان که مطبوعات گزارش می دهد وزارت عدلیه پارلمان می سازد و قانون احزاب را در مجلس وزیران به تصویب می رساند، کارهایی که باید آنها را شوری یا پا رلمان انجام دهد نه شورای وزیران.

٦–یک گروه از اندیشمندان به وجود بیاید ، موارد توافق و تباین دموکراسی را با دین و فرهنگ جامعهٔما مورد مطالعه قرار دهد تا مفاهیم آن را با اتکا به ارزشهای دینی و فرهنگی برای مردم سهل الهضم سازد تا غرابت و نا آشنایی آن زدوده یا کاسته گردد و به فرهنگ جمعی مردم راه باز کند.

۷–بسیاری از نظامها در جهان سوم ازجمله کشور ما از راه کودتا ها اقتدار سیاسی را تصاحب کرده است. با استفاده از تجارب کشور هایی که در آنها کودتا نمی شود ، تدبیری برای جلوگیری از تکرار کودتا ها گرفته شود.

۸–دموکراسی ونمادهای متفاوت آن نه به عنوان یک پدیدهٔ مقدس خدشه ناپذیر که به عنوان یک تجربهٔ انسانی وشیوهٔ زندگی با منطق تجربی تمدن معاصر در سطوح گونه گون مورد ارزیابی وکاوش قرار گیرد و مناسب ترین شیوهٔ آن برای جامعهٔ ما از هر لحاظ عرضه گردد.

۹–دموکراسی را باید به عنوان یک نیاز انسانی جامعهٔ افغانستان مطرح کرد نه به عنوان یک شیوهٔ سیاسی مورد پسند کشور یا کشور هایی ویژه ، که در حالت دوم به گونهٔ یک راه ورسم غیر و تحمیلی تلقی خواهد شد و به چشم انداز های انسانی آن توجهی صورت نخواهد گرفت.

یووالی اوملی تفاهم

پسرلي

دنــړي د اســـتعماري او زبـــــيښاكګرو ځواكونــــو ســـتراتيژي پـــه دي ولاړه ده چـي پـه مسـتقيمه يـا غـير مستقيمه توګـه يو هـيواد تـه لاره پـيدا كـړي، لومـړي دهغـه هـيواد ټولنـيز – سياسـي نظـام پـه اصطلاح "بـي اتفاقـي واچـوه حكومـت وكـړه" دځرګـندي طرحـي له مخـي ټوټـه ټوټـه كـړي او بـيا پـه كـي خـپل پلويـان او تالـي ځټمـي واكمـن كـړي او پـه دي توګـه دزيـات وخـت لـه پـاره دغـه راز ټولنـي پـه پـر لـه پسـي توګـه وزبيښـي او دخـپلو دغـه راز طـرحو له لاري پـه دغـه راز ټولنوكـي خـپله واكمنـي اوږده كـړي او خپلـي ايديالوژيكـي – اقتصـــادي ګټـــي خونـــدي وساتي.

وايـــي ړونـــد يوځـــل همســـاوركوي؛ خـــو لـه بـــده مـــرغه چـــي مـــوږ دخپلـــي سياســـي پوهـــي دكموالـــي او ځانځانـي له امله دتـاريخ پـه اوږدو كـي څوځـو ځلـه دغـه راز تيروتنـي تكـرار كـړي او كـــه بـــيا هـــم دغـــرض دخـــاوندانو او ددي خـــاوري دســـولي، ثـــبات او امنيـــت ددښمـــنانو لاســـونه لـــنډ نـه شـي او يـا بـيا هـم دځينـو ګاونـډيو هـيوادو لـه خـوا پـرموږ بـاندي دتـيري او لاس وهنـي لاري بـندي شـي، نـو شـــك نـــه شـــته چـــي وايـــي دلـــندوختو لـــړي او بـــه دارو دي، بـيا بـه هـم زمـوږ ځيني پـاك زړي هـيواد وال او يـا دپـرديو هـيوادو نوكـران چـي اوس هـم لـه روان سياسـي – ټولنـيز بهـير سـره خـپل ضـديت ځرګـندوي او بـه خـړي كـړي او پـه اصـطلاح كبان به په كي ونيسي.

لـه نـيكه مـرغه مـوږ چـي د ۱۳۸۱ كـــال دجـــدي پـــه شـپږمه نـيټه انتقالـي دولـت تـــه دقـــدرت دلـــيږدو لـــو دكلـــيزي بهـــير پـــه خـــپلو ســـترګو ولـــيد مـــوږ تـــه يـــي دازيـــري راكـــړ چـــي اوس دهـيواد ټولـي متخاصـمي او بـد بيني ډلـي دملـي روغـي جـوړي لـه پـاره د انتقالـي دولـت پـه شـاوخوا راټولـي شـوي او خپلـــي هـــرډول تنظيمـــي، ســـمتي او قومـــي ګټـــي او مفـــادات يـــي شـــاته اچولـي دي. دسـاري پـه توګـه دانتقالـــي دولـــت د نـــورو مشـــرانو ترڅـــنګ پـــه دي بـرخه كـي دجمعيت دتنظيم محـــترم مشـــر اســـتاد بـــرهان الديـــن ربانـــي پـــه دغـــه تاريخـي ورځ پـه خـپلو خبرو كـــي يوځـــل بـــيا دمحـــترم حـــامد كـــرزي پـــه مشـــرۍ دافغانســـتان لـه دولـت سـرهء خــپل بشــپړ اوغــوڅ ملاتــړ ځرګـــند كـــړ او د امنيـــت پـــه تامينـــولو كـــي يـــي دنړيوالـــو ســـوله ســـاتو ځواكونـــو رول دســـتونزو پـــه زغملـــو ســـره اوسـني نظـام رامنـځ تـه كـړي او يـــو اړخـــيز ســـمتي او ګروهـي حكومـت تـه اړتـيا نـه لـري، دافغانسـتان خلـك ديـو سراسـري دولـت غوښـتونكـي دي، چـي خـپل برخلـيك پـه خـپله وټاكـي. بـايد پـه دي لار كـــي پـــه متانـــت ســـره عمـــل وكـــړو او لـــه خـــپلو فـــردي، ګروهـــي، حزبـــي او مـــنطقوي غوښـــتنوڅخه تـــير شـــو، پرشخصـــي غوښـــتنو بـــاندي عامـــه ګټـــي لـــوړي وبولـــو. دغـه راز پـه دي وينا كـي لـه مخالفيـــنو څخـــه غوښـــتل شـوي چـي لـه سـرزورۍ او لوړتـيا غوښتنـي څخـه لاس واخلـي او لـه ملـت سـره اوږه پـــه اوږه ديـــو محـــوري او مركـزي دولـت دجوړولـو لـه پاره حركت وكړي.

مـــوږ پـــه دي بـــرخه كـــي داســـلامي حـــزب دمشـــر محـــترم ګلبديـــن حكمتـــيار ارزښتناك وباله.

همدارنګـــه ددولـــت درياســت مرســتيال او دملـي دفـــاع وزيـــر مارشـــال فهـــيم دخپلـي اوږدي ويـنا پـه تـرڅ كـــي وويـــل: دافغانســـتان خلكـو دخـپلو ويـنو بـه بـيه وروســـتي ځرګندونـــي چـــي زمـــوږ دســـتري محكمـــي لـــه خـــوا هـــم غـــندل شـــوي او لـــه اســـلامي احكـــامو ســـره ســـمي نـــه دي بلـــل شـــوي د خـــپل ملـــي وحـــدت، ســـولي، ثـــبات او امنيـــت پـــه ورانـــدي يـــو ګـــواښ بولـــو او هـــيله مـــن يـــوو چـــي دغـــه ښاغلـــي دافغانســـتان دجـــنګ ځـــپلو خلكــــو داوږدورنځونــــو ددرملنـــي لـــه پـــاره دســـولي، وروري او ګډتفـــــاهم لاره ونيســـي او پـــري نـــه ږدي چـــي دهـــيواد دپـــراخه پرګـــنو راټوكيدلـــي هيلـــي او پـــه هـــيواد كـــي دملـــي رغاونـــي، سراســـري ســـوكالۍ او پرمخـــتګ پـــه خاطـــر هيوادنـــي او نړيوالـــي هلـــي ځلـــي لـــه خنډونو ســـره مخـــامخ شـــي. همدارنګـــه هـــيله مـــن يـــو چـــي دافغانســـتان دځمكنـــي بشـــپړتيا، ملـــي حاكميـــت، افغانـــي وراثـــت او هويـــت پـــه خاطـــر دهـــيواد ټـــول هغـــه ځواكونـــه چـــي متضـــاد فكـــرونه او بيلابيلـــي كړنلاري لـــري داټـــول دتـــاريخ پـــه حكـــم او دافغانـــي رســـالت پـــه ژور درك يـــو بـــل تـــه لـــه مينـــي او محبـــت نـــه ډك ټټـــرونه وزكـــړي او پـــه صـــميميت او پـــاك زړه وران او ويجـــاړ هـــيواد پـــه بـــيا رغاونـــه ، سمســـورتيا او پرمخـــتګ كـــي لـــه خـــپلوټولو مـــادي او معنـــوي امكانـــاتو څخـــه ګټـه واخلي.

نگاهی دیگر بر چگونگی ارزش پول جدید

به قلم فرامرز

شکی نیست که چاپ و انتشار پول جدید یک ضرورت به شمار می رفت؛ مثل دگر ضرورت های قابل اجرا در کشور. اما آیا این اقدام در واقع آنچنانکه با ید می تواند ضامن رشد ارزش پول افغانی باشد؟

وآیا این اقدام به تنها یی می تواند اسباب این همه افتخاراتی باشد که مقامات مسوول امور مالی کشور بدان می بالند؟

نخست به این نکته که چاپ و انتشار پول جدید به موقع ودر فرصت لازم انتشار نیافت، انگشت محاسبه می گذاریم.

به باور صاحب این قلم ، انتشار پول قبل از انکه دلایل و انگیزه های اقتصادی داشته باشد دلایل سیاسی داشته واز انگیزه های خاص که نزد مسوولین امور با نکی ما غیر قابل بیان است آب می خورد.

این انگیزه ها، خواه گروهی ، خواه قومی ، خواه به گونهٔ با رز اشتهار طلبانه ویارقابتی بوده وباهر محرکهٔ دگری هم که سبب انتشار پول جدید شده باشد ، اساساً وعمدتاً اقتصادی بوده نمی تواند.

عمدتاً به این دلیل که از شروع کار چاپ در بدل بهای گزاف دالری صورت گرفته و حمایت از این بانک نوت ها توسط اسعار خارجی به عمل می آید، نه با پشتوانهٔ پیداوار پردر آمد ملی شامل همه عرصه های تولیدی اعم از صنعتی یا زراعتی یا غیر. توضیح اینکه پو ل جدید ما متأسفانه دارای کدام پشتوانهٔ با اعتبار اقتصاد ملی نبوده ودر روند روزانهٔ بازار فقط با تر زیق سیرم دالری باید خون دوام و حضورفزیکی خودرا حفظ کند، ودر صورتی که خدای نخواسته این منابع کلیدی دالری به گونه یی وتحت شرایطی از اختیار دولت بیرون باشد ، دران صورت با کمال اندوه شاهد افت بازهم و حشتناک بهای این پول خواهیم بود.

لابد توجه داریم که بانک مرکزی تقریباً هر هفته به صورت متناوب اسعار دالری را وارد بازار می کند ودر بدل قیمت حدود صد کلدار ارزانتر از بهای بازار، آنرا در اختیار تعداد مشخص افراد که به ترتیبی صاحب انحصار گردانده شده اند، قرار داده می شود.

در عین حال بانک مرکزی هیچگونه اعتنایی به اعتراض های مکرر رسانه های خبری نداشته که این اقدام بانک را نوعی فراهم آوری شرایط برای سؤ استفاده مالی از طریق سرای شهزاده دانسته اند. پرسش اساسی اینست که بانک تا چه زمانی قادر خواهد بود به این دالر در مانی در کالبد پول جدید بپردازد؟

جان مطلب در این حقیقت تلخ نهفته است که دولت مرکزی متأسفانه هنوز به معنای دقیق وهمه جانبه کلمه وجود ندارد؛ آنچنان که بر تمام شاهرگ های اقتصادی کشور کنترل لازم داشته باشد و نیز شاهراه های مهم کشور از شمال تا جنوب واز شرق تا غرب، هنوز به صورت لازم و قابل

ص ٦

لویه جرگه موقع خوب بود برای ساختن اردوی ملی وتصمیم براین که گروه های مسلح دیگر در چهار چوب سازمانها فعالیت نکنند

کانال تلویزیونی سی ان ان CNN آمریکا به تاریخ ۲۷ قوس مصاحبه یی گسترده در پیرامون بسیاری از مسائل کنونی افغانستان با استادربانی انجام داد که نظر به اهمیت موضوعاتش آن را به خوانندگان مجاهد تقدیم می داریم.

• درمورد موفقیت ها وناکامی ها در یک سال گذشته نظر شما چگونه است؟

■ بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر دنیا متوجه افغانستان شد. در ارتباط خطری که از جانب گروه طالبان متوجه کشور مان ومنطقه و جهان بود، ما چندین بار هشدار داده بودیم دنیا متوجه باشد که طالبان نه تنها برای افغانستان بلکه برای کشور های منطقه و جهان خطر بزرگی خواهند بود، ولی کمتر توجه صورت گرفت. بعداز حادثه ۱۱ سپتامبر در نیویورک وو اشنگتن دنیا متوجه شد که برای حل مشکلات مردم افغانستان با طالبان چه کاری صورت بگیرد در نتیجه چند موضوع مورد علاقه مندی جامعه بین المللی قرار گرفت:

– مبارزه با تروریزم ، که ما در مقاومت در صف اول قرار داشتیم در حالی که جهان ملت افغانستان را فراموش نموده بود.

– مسئله باز سازی افغانستان.

– استحکام امنیت در افغانستان.

به ارتباط تأمین امنیت و مبارزه با تروریزم جامعه جهانی فیصله نمود که مبارزه عملی و مسلح جبهه جهاد و مقاومت یکجا با ائتلاف بین المللی صورت گیرد که این کار در قسمت شکست طالبان نقشی تعیین کننده را بازی کرد هرچند جبهه مقاومت و مردم افغانستان سهمی بزرگ داشتند.

لذا ما از کمک های بین المللی به قدردانی یاد می کنیم.

دو مطلب عمدهٔ دیگر بعد از سقوط طالبان استحکام امنیت و مسأله بازسازی افغانستان بود که برای استحکام امنیت نیروهای حافظ صلح بین المللی آمد ند که آمدن نیروی های ایساف ISAF به استحکام امنیت کمک کرد البته مشکلات جامعه ماکاملاً از میان نرفته است هرچند در این زمینه توقع زیاد تر برده می شد ولی در یک کشوری مثل افغانستان طبعاً یک اندازه بد امنی ها برای یک مدت دوام می کند مگر این موضوع بسیار قابل تشویش نیست.

من فکر میکنم اگر جامعه جهانی با مردم افغانستان همکاری های صحیح انجام بدهد این بد امنی کم کم از میان خواهد رفت.

مسأله بس عمده دیگر در استحکام امنیت در افغانستان مسأله باز سازی است که باید دربارهٔ آن توجه جدی صورت بگیرد که متأسفانه در قسمت بازسازی افغانستان اگر من بگویم جامعه جهانی کاری زیادی نکرده است و اگر بگویم که در این زمینه ناکام است می توان حتی تعبیر ناکامی را هم برای شان درست تلقی کرد.

• هدف از ناکامی بازسازی در افغانستان این است که پول نرسیده است یا به کندی پیش می رود؟

■ اثر بازسازی را کم مشاهده می کنم. من یک نمونه را برایتان یاد میکنم. تعجب می کنم در این زمانی که جامعه جهانی به مردم افغانستان می خواهد کمک کند، در یک کمپ مهاجرین چهل کودک از اثر نرسیدن کمک های لازم و سردی جان می دهند. جامعه جهانی نتوانست به مهاجرین این کمپ همکاری کند، پس مردمی که در نقاط مختلف افغانستان بی خانه و بی سامان هستند چه انتظاری داشته باشند؟

• میگویند گروه های نظامی همچنان در افغانستان هستند وبرخی از مشکلات کنونی هم ناشی از وجود آنها است. آیا این هم از جمله ناکامی به حساب می رود؟

■ من از آغاز به این عقیده بودم و هستم که باید بعد ازاین گروه های افغانستان به عنوان گروه های نظامی فعالیت نکنند ، بلکه به عنوان جریان های سیاسی حرکت کنند. گروه های مسلح نظامی بدون ارتباط به اردوی منظم ملی همیش مشکل ایجاد می کنند و عامل بد امنی هم می شوند .برای به دست آوردن یک راه حل منطقی ومعقول هرچه عاجل تلاش شود.توسل جستن به زور شاید مشکل بدامنی را درقبال داشته باشد.

• به خاطر پایان دادن همین نا آرامی ها مشکل شبه نظامیان غیر رسمی را چگونه می توانیم حل بسازیم، آیا از طریق دادن پول می توانیم این قفل را برداریم؟

■ این موضوع را نخستین با رمن با نماینده آقای جورج بش قبل از این که اداره موقت به کار خود شروع کند گفته بودم که اگر خواسته باشیم در افغانستان امنیت بیاید و جلو تروریزم گرفته شود دوکار باید صورت بگیرد:

– هر کمکی چه در بخش نظامی و چه در بخش بازسازی مستقیماً به حکومت مرکزی داده شود.

– به هیچ فرماندهی علیحده و جدا جدا پول داده نشود. متأسفانه این کار صورت نگرفت.

موضوع دیگری را برای حل مشکلات بد امنی در جریان لویهٔ جرگه با آقای کرزی و برخی دوستان در میان گذاشتم. من به این عقیده بودم که لویه جرگه بهترین موقعی است که در حضور و کلای ملت افغانستان ما اردوی ملی را بسازیم و فیصله کنیم از طریق لویه جرگه که دیگر گروه های مسلح سازمان ها در کشور فعالیت نکنند. من برای آقای کرزی پیشنهاد کرده بودم که اگر حکومت هم بیاید، باید یک مجلس عالی امنیت متشکل از یک تعداد شخصیت های عمده کشور، رهبران سازمان ها و برخی شخصیت هایی عمده که در افغانستان هستند به شمول خود رئیس دولت و یک تعداد اعضای کابینه ساخته شود وظیفهٔ آن ساختن اردوی ملی و جمع آوری سلاح از دست عناصری باشد که مسوول نیستند. فرماندهان بودند که به احزاب جهادی مرتبط بودند، آنها باید کنترل شوند و در یک مجموعه یی با حضور همه نیروهای شان سهیم شوند واز طریق این کمیسیون جلو فعالیت های غیر منظم آنان گرفته می شد.

• کسانی مثل اسماعیل خان و یا دوستم وافراد دیگری که هستند به خاطر قدرت خود به این افراد ضرورت ندارند، نمی گویند که ما همین افراد را همراه با خود نگهداری می کنیم؟

■ من به این عقیده هستم که همه قوماندان ها بعد از این یک دولت بسازیم، حکومت بسازیم و حکومت های مستقل و جدا جدا یقیناً که به نفع هیچ کسی نیست. می خواستم که در جریان لویه جرگه همه این مسائل حل شود حتی اگر تمام اعضای لویه جرگه نمی بودند باید یک تعداد نمایندگان انتخابی به عنوان شورای ملی باقی می ماندند و این فیصله ها را اعلان می کردند به خاطر این که حکومت را همکاری بکنند و حکومت تنها طرف قرار نگیرد آنان می توانستند با آقای کرزی همکاری کنند.

• آیا شما فکر می کنید که آقای کرزی کوشش می کند که تمام قوماندان ها محترم باشند و بتواند آنان را سمت دهی کند و مؤفق باشد؟

■ من به این عقیده هستم که تنها آقای کرزی این کار را انجام داده نمی تواند ؛ طبیعتاً در هرجایی بعد از نا امنی و جنگ معمولا حکومت هایی موفق می باشند که به شکل یک جبهه ملی کشور را اداره کنند ومن فکر می کنم یکی از مشکلات مهم آقای کرزی کابینه اش می باشد.

• در کابینه آقای کرزی شما کدام شخص را تصور می کنید که دارای قدرت بیشتر باشد؟

■ من زیاد به افراد اشاره نمی کنم اما فعلاً یک نوع تضاد درمیان کابینه وجود دارد وازاین لحاظ رئیس دولت انتقالی به مشکلاتی روبه رو است . من به این عقیده هستم که باید رئیس دولت قدرت مند باشد نه اعضای کابینه او اگر کابینه از رئیس دولت قدرتمند تر باشند نظام ساخته نمی شود. وبه ارتباط وضع فعلی باید یک راه حل جستجو شود. من برای آقای کرزی پیشنهاد کرده بودم که راه حلی برای حل مشکلات جستجو شود چه بهتر که یک پارلمانی بوده باشد انتخابی. تا برخی مشکلاتی که قوه اجرائیه و شخص آقای کرزی با آن رو به رو است از طریق این پارلمان کنترل شود و همیش خودش مستقیماً وارد کشمکش نگردد و طرف قرار نگیرد.

• اگر ائتلاف بین المللی نیروی های خودرا از افغانستان خارج بسازد یا شمار شان کم تر شود این یک تهدیدی برای قدرت آقای کرزی نیست؟

■ به عقیده من هدف اساسی نیرو های بین المللی بر اساس فیصله جا معه بین المللی مبارزه با تروریزم و استحکام امنیت بوده است که این به نفع مردم افغانستان است اما در ارتباط این که معمولاً و قاعدتاً حکومت ها باید قدرت خودرا از مردم بگیرند چه آقای کرزی و چه غیر آقای کرزی ، همیش باید طوری تلاش شود تا حکومت های مردمی باعث استحکام امنیت شوند اما مسأله تأمین امنیت و مبا رزه با تروریزم حضورنیروهای بین المللی به نفع تمام شده است.

• به نظر شما در سال ۲۰۰۳ آقای کرزی با چه مسایلی رو برو خواهدبود؟

■ من فکر می کنم که چند مشکلی و جود دارد:

مسأله کندی باز سازی در افغانستان ومسأله محرومیت و فقر، و مشکلاتی که بعد از جنگ باقی مانده است، وعدم توازن کابینه مشکلات آقای کرزی است.

• درمورد طالبان که می خوا هند دوباره متحد شوند و به جنگ ادامه بدهند چقدرجدی فکر می کنید؟

■ تصور من این است که اگر حکومت یک برنامه و فعالیت ملی را شروع بکند البته با همکاری همه نیروی هایی که می خواهند امنیت در کشور استحکام پیدا بکند، شاید طالبان کار زیاد ی کرده نتوانند، و آن به ابتکار حکومت و فعالیت های ملی حکومت ارتباط دارد که چقدر می تواند در این بخش ابتکار کند تا مردم مطمئن شوند که فعلاً یک کاری صورت می گیردکه واقعاً کار سازنده است.

حکومت نقاط منفی خودرا ارزیابی کند، نقاطی منفی که مردم از آنها را ضی نیستند.

و ضرورت ها یی راکه می تواند حکومت را تقویه کند ، باید جستجو کند.

• برخی مردم این طور فکر می کنند که آقای کرزی مثل یک رئیس جمهور نیست بلکه به گونه یک شهردار است اگر اواین توانایی را نداشته باشد که صلح و ثبات را به وجود بیاورد آیا مثل جنگ ها یی که در سال های ۱۹۹۰ یا بعد از آن به وقوع پیوست چنین جنگ هایی بروز نخواهد کرد؟

■ جنگ های گذشته بیش تر عوامل خارجی داشته است من به این عقیده هستم که اگر باز از بیرون مداخله صورت نگیرد دیگر مردم آماده جنگ کردن نیستند. اگر وضع به شکل موجوده دوام بکند قدرت حکومت مرکزی همین طور محدود باقی می ماند، باید یک برنامه یی را آقای کرزی روی دست بگیرد که با یک حرکت ملی دولت مرکزی قدرت بیشتر پیدا بکند و برسراسر کشور حاکم شود در برابر تمام و لایات حرکت درست صورت بگیرد که این کار را من مشکل نمی بینیم مگر یک مشارکت ملی ضرورت می باشد.

• آیا شما فکر می کنیدکه این کشور ها یا قدرت های خارجی ایران، چین، روسیه وپاکستان بعداز این در افغانستان مداخله نکنند و سابق مداخله کرده اند.

■ هر کشور و قدرت خارجی که در افغانستان مداخله نموده است به یک شرمساری و ناکامی مواجه شده است و موضوع دیگر ارتباط می گیرد به خود حکومت افغانستان. من به این عقیده هستم که برای کشورهای همسایه اطمینان داده شود که آنها بریک پالیسی بسیار منطقی و معقول مطمئن شوند وآن این که نه ما مداخله می کنیم و نه شما مداخله کنید و منافع مشترک دوطرف دراین است که باید باهم همکار باشیم نه اینکه در حالت عدم اعتماد و بی اطمینانی و دشمنی به سر بریم.

• آیا شما چقدر اطمینان می دهید که در سال ۲۰۰۳ آقای کرزی زنده بماند چون حملات زیادی تا هنوز علیه جان او صورت گرفته و ما شاهد آن بوده ایم، شما در این مورد چه می گویید؟

■ حوادث سوء قصد در کشور هایی مثل افغانستان یک مسأله غیر عادی نیست و تصور من این است که نباید انسان،از خطر بترسد در مبارزات سیاسی زعمای سیاسی باید خودرا با خطر روبرو بسازند وباید منتظر هر حادثه یی باشند اما جهت جلوگیری از این حوادث برنامه هایی مطرح شود که این حوادث تکرار نشود، اما صددرصد آدم در کشور های نظیر افغانستان مطمئن بوده نمی تواند.

• اگر آقای کرزی دراین سوء قصد ها یی که علیه او انجام شد از بین می رفت مرگ او چه اثری بالای کشور می گذاشت؟

■ بسیار اثر منفی می داشت.

• برخی بر محافظت آقای کرزی از سوی آمریکاییان اعتراضی دارند، در حالی که ما همین افراد را به کسانی دیگر در جاهای دیگر داده ایم، شما چه می گویید؟

■ شما این مسأله را می توانید از شخص آقای کرزی بپرسید، اما من به این باور هستم که در افغانستان گروه هایی زیاد وجود دارند که می توانند در جهت حمایت و امنیت افراد فعالیت کنند که آنان به تربیت نیاز دارند و باید شرایط برای آنان آماده شود.

• اگر شما رئیس جمهور می بودید می پسندیدیدکه امریکایی هامحافظ شما باشندیا افغانها،یاکدام کمپنی دیگری ازشمامحافظت کند؟

■من درسخت ترین شرایط رئیس جمهوربودم و متکی به این بودم که درحمایت مردم خودبوده باشم اینطورهم نیست که ماکاملاً احساس امنیت می کنیم ، من هم چندین بار مورد سوء قصدقرارگرفتم، افرادی که انجینیر مسعود راترور کردند می خواستند من راهم ترور نمایند. درهرحالت آدم باید آماده استقبال هرنوع حادثه هم باشد.

• آیا شما فکر می کنید که این کار خراب است که محافظت یک شخص توسط یک کمپنی آمریکایی صورت بگیرد؟

■ البته گفتم آقای کرزی یک ضرورت احساس کرده بود و او افرادی نداشت که مورد اعتمادش باشد شاید ضرورت زمان آن را ایجاب کرده بود که آقای کرزی این کار را انجام بدهد و من قسمی که شنیدم به فکر این است که یک گروهی از بین افغانها تربیه شود که امنیتش را بگیرند که این گفتهٔ بعضی از دوستان است و من از زبان خودشان نشنیده ام.

• آیا در مورد این کمپنی یا افرادی که فعلاً از آقا ی کرزی محافظت می کنند شما چیزی شنیده اید؟

■ من معلومات زیادی ندارم منتهی این قدر شنیده بودم که افراد ی که آقا ی کرزی را حمایت و محافظت می کردند قرار دادشان پیش از این با وزارت دفاع آمریکا بود و فعلاً قرار دادشان با وزارت خارجه امریکا است.

چون این نگهبانان به فرهنگ و عادات مردم افغانستان بلدیت ندارند گاه گاه مشکلاتی در رفت و آمد برخی از وزیران احساس می شود که باعث نا رضایتی برخی از وزراء و شخصیت ها شده است.

• آنها یی که اکنون از آقای کرزی محافظت می کنند در بسیاری جا ها از جمله بوسنیا این وظیفه را به دوش داشتند؟

■ دراین مورد اطلاع زیادی ندارم.

ابوالمجد مجدود حکیم سنایی غزنوی

طمع گدا

چشم روشن یادمان کز خود رهایی یافتیم
در مغاک خاک تیره روشنایی یافتیم
گرچه ما دور از طمع بودیم یکچندی کنون
از قناعت پایگاه پادشاهی یافتیم
ما از این باطل خوران آشنا بیگانه وار
دست بر کردیم و با حق آشنایی یافتیم
خاکپای کم زنان شد توتیای چشم ما
کار سرمان بود و آخر کار پایی یافتیم
سرفروبردیم تا بر سروران سرور شدیم
چاکری کردیم تا کار کیایی یافتیم
پارسایان هر زمان ناپارسا خوانند مان
ما از آن بر پارسایان پارسایی یافتیم
گرهمی خواهی که باشی پادشاه وپارسا *
شوگدایی کن که ما این از گدایی یافتیم
ما گدایان را زنادانی نکوهش چون کنی
کاین سنا از سینهء پاک سنایی یافتیم

خواجه حافظ شیرازی

کوبه

سالها پیروی مذهب رندان کردم
تا به فتوای خرد، حرص به زندان کردم
من به سر منزل عنقا، نه به خود بردم راه:
قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم
دارم از لطف ازل جنت فردوس طمع
گرچه دربانی میخانه فراوان کردم
نقش مستوری و مستی نه به دست من وتوست:
آنچه استاد ازل گفت بکن، آن کردم!
تو به کردم که نبوسم لب ساقی و، کنون
می گزم لب که چرا گوش به نادان کردم!
سایه یی بردل ریشم فکن – ای گنج مراد!
که من این خانه به سودای تو ویران کردم.
از خلاف آمد عادت به طلب کام، که من
کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم.
این که پیرانه سرم صحبت یوسف بنواخت
اجر صبری ست که در کلبهء احزان کردم
گربه دیوان غزل صدر نشینم، چه عجب؟
سال ها بندگی صاحب دیوان کردم!
صبح خیزی و سلامت طلبی، چون حافظ
هرچه کردم، همه از دولت قرآن کردم

مکتب هند و محمد انور بسمل

علی سینا

پیوسته به گذشته

سوم– محمد انور بسمل در شعر خود به کار برد ضرب ا لمثل ها، کنایه ها ، و تعابیر عامیانه توجه داشته واز آنها در پرورش مضامین شعر خوداستادانه کار گرفته است که به چند نمونه اشاره می شود.

هوس پختن

خاطر روشن ضمیران از هوس پختن تهیست
رنگ کی گیرد به دل هرگز قرار آیینه را

طمع خام

هر طرف در چمن عشق و هوس گردیدم
نخل امیدبری جزطمع خام نداشت

تنگ چشم

زین خلق تنگ چشم مکن انتظار لطف
تار نگه به دیده ء سوزن چه می کند

چهارم– بسمل افزون بربیدل به دو شاعر توانای دیگر از مکتب هند، میرزا مظهر جان جانان و مولینا مخلص کاشی نیز نظر داشته است. چنان که از آن ها به نکویی یاد کرده وبه اقتفای آن ها غزل سروده و گاهی هم مصراعی از آنها را تضمین کرده است

مثلاً در نمونه های زیرین:

عمر کردم صرف ضبط عشق چون مظهر؛ ولی
کرد آخر حسن بلا دســـت او رسوا مرا

●

بسمل از گرمی صحبت به کلام مظهر
آتش افتاده به جان شعلهء ادراک مرا

●

به همین گونه ارادت خود به مخلص کاشی را این گونه بیان می کند:

قصر بیت الغزل از مخلص کاشیست بلند
بسمل افتاده از آن بزم به کاشانه جدا

پنجم_ بسمل گاه گاهی به شیوه عراقی نزدیکی هایی نشان می دهد و بر اقتفای شمار ی از غزلهای حافظ شعر هایی سروده است؛ ولی او در این مورد چندان سختکوشی نشان نمی دهد و نهایتاً خودرا پیروی سبک بید ل می داند.

نالهء من از حـــریر خامه ء بیدل شنو
رقص بسمل عالمی دارد تماشاکردنیست

ششم_ بسمل به گونهٔ کلی درغزل هایش دیدگاه عاشقانه وعاطفی دارد که در مواردی با جنبه های از تصوف وعرفان در می آمیزد. با وجودی که بسمل مرد بزرگ سیاسی و مبارز نستوهی بود؛ ولی دید گاه های سیاسی_ اجتماعی او در سروده هایش باز تابی نیافته است.

خواننده در پشت شبکه ء تصاویر شعری او بایک شخصیت مبارز و آزادی خواه روبه رو نمی شود. بسمل بیشتر به بیان اندیشه ها و عواطف عام انسانی پرداخته است تامسایل و موضوعات مشخص روزگار خودش.

بسمل سالیان درازی در زندان سیاسی کشور بوده است با این حال در این گزیته شعری که بتوان از آن به وضعیت زندان آن دوران راه پیداکرد دید نمی شود. او بیشتر علاقه دارد تا به بیان مسایل عام و مجرد بپردازد. به گونه نمونه او به شکایت از روزگاری می پردازد که یک روز هم به کام او نگردیده است. بیان چنین مسایل در ادبیات کلاسیک فارسی – دری تازه گی ندارد.

سر نزد پرتو خورشید زبام دل ما
چرخ یک روز نگردید به کام دل ما

همین گونه وقتی که او از غم سخن می گوید از آن غمی که تجربه کرده و حس کرده سخن به میان نمی آورد؛ بلکه از یک غم مجرد سخن می گوید. در حقیقت به بیان مفهوم غم نظر دارد تا به بیان یک غم تجربه شده.

بسمل شنید ایم کلام تو شعر نیست
غم نغمه ییست گشته زتار نفس بلند

بسمل شعر خود را غم نغمه می خواند و ما این مسأله را از آن جهت می پذیریم و از آن جهت با شاعر همدردی می کنیم که با گوشه هایی از زندگی او آشنایی داریم. اگر چنین آشنایی وجود نمی داشت این نحوه بیان نمی توانست مارا به اندوه تجربه شده شاعر را همنایی کند . چنین بیانی اندوهی را در خواننده بیداری نمی تواند کرد. برای آن که بسمل غم های تجربی اش را بیان نمی کند ؛ بلکه برای غم شعر می سراید .

بااین همه شعر بسمل از مفاهیم بزرگی که انسان را به استقامت و پایداری فرامی خواند سر شار است. او در برابر هیچ مستکبر ی قامتش را خم نمی کند.

قامت بسمل به هر محراب هرگز خم نشد
تا سجودی پیش طاق ابروی دلدار داشت

سجود بسمل یک سجود عارفانه است در برابر طاق ابروی دلدار که می تواند همان عشق بر تر بوده باشد.

بسمل در برابر عشق و حقیقت بر تر خم شده و چنین است که به آزاده گی و استواری جاودانه دست می یابد.

پایان

آوارگی بلاست

داکتر صبغت الله خاکساری

ای مدعی نگر که چوگل در چمن شدم
صاحب وطن شدم
بودم گداوپادشهء انجمن شدم
شیرین سخن شدم
دیگر من آن گریزهء بیچاره نیستم
آواره نیستم
هر صبح وشام ساکن کاباره نیستم

می خواره نیستم
بگذشته ها گذشت
آن روز ها گذشت
آن روزهای تیره و تلخ وسیاه گذشت
من ناتوان نیم
بی خانمان نیم
کوله به پشت دربدر جاویدان نیم

آن مرغک شکسته پرنیمه جان نیم
سرتاسر زمینِ وطن لانهء منست
این کلبه های زخمی همه خانهء منست
آوارگی بلاست
آواره بی پناه ست
آواره گرچه شاه بود خاک زیر پاست
آواره چون گداست
آواره گی بلاست
آواره گی بلاست

یادی از رفتگان

مولانا مصرع راغی

وحید مژده

همت پست چو کرگس به زمین زد ما را
ما بدخـــشان طلبیدیم و به راغ افتادیم

در سرزمین ما افغانستان بزرگان بسیاری اند که در عصر خویش از نوادر روزگار به شمار می آمدند. ولی در زمان حیات و حتی پس از مرگ نیز آن گونه که شایسته است ، شناخته نشدند. ما شاعران گرانقدری داریم که با وجود آثار گرانقدر ادبی، نام ایشان را کمتر کسی در افغانستان شنیده و آثار طبع آنان فقط به صورت پراگنده در دست دوست داران شعر و ادب باقی است که از آن جمله یکی هم مولانا مصرع راغی می باشد.

نام اصلی وی عبدالله بود. سال تولد وی شاه عبدالله بدخشی در ارمغان بدخشان سال وفات وی را ۱۲۸۵ هـ .ق. ذکر کرده است بنابر این تولد وی را می توان در حوالی سال ۱۲۰۰ هـ . ق.تخمین نمود.(۱)

محل تولد وی قریه (فرشته جا) درولسوالی (راغ) ولایت بدخشان است که خود در مورد محل تولدش می گوید:

فرشته جاست مقامی که یاد باغ بهشت
کسی که جای در آن سرزمین کند نکند

عبدالله بعد از تحصیل ابتدایی در علوم دینی در روستای خودش، غرض تحصیل عازم بخارا گردید که در آن روزگار از مراکز بزرگ علم به شمار می رفت.

عبدالله در کنار تحصیل علوم دینی تحت تاثیر محیط ادبی آن عهد بخارا شیفته اشعار و افکار میرزا عبدالقادر بیدل گردید و در طبع آزمایی در شعر دنباله رو همین سبک شد به حدی که در این سبک و شیوه سختوری،گویی سبقت را از شعرای عصر خود ربود. در حالی که در آن عصر شاعران بسیاری در ایران و افغانستان و بخارا در این سبک شعر می سرودند و به قول صدر الدین عینی "در آن زمان تقلید سبک بیدل به حدی در بخارا نفوذ نموده بود که هر شاعری که می خواست فکر خود را در پرده شعر به تصویر بکشد از بیدل پیروی می نمود".

در علوم دینی عبدالله به درجه (داملایی) که درجه بلندترین درعلوم دینی در بخارا بود، رسید و در شعر وی دو تخلص را برگزید یکی "صفیر" و دیگری "مصرع".

دیوان اشعار مصرع به قول عبدالله بدخشی (۳۱۷۱) بیت است که شامل غزلیات و مخمسات و مثنوی و معمانامه می باشد و به شیوه بیدل دارای مکتوبات ورقعات نیز هست.

از مشخصات سبک مصرع که وی را از دیگران ممتاز می سازد، آوردن اصطلاحات محلی در شعر است. پوشانیدن جامه ادبی به اصطلاحات محلی کار دشوار است که مصرع از آن به کمال استادی بدر آمده است. در اشعار مصرع یک فرد هجوم ذم ومدح وجود ندارد. مطلع دیوان وی چنین است:

الهی تازه گردان از می وحدت دماغم را
زمینای شراب معرفت پرکن اياغم را

ص ٥

عناصر جهانی شدن

پوهنمل سیدعنایت الله شاداب

چهره هایی که جهانی شدن، به صورت واقعی در آن ها تجلی یافته و یا آماج هدفگیری در آینده قرار می گیرند، بس متنوع بوده که همه پهلوهای زندگی انسان را فرا گرفته و در این حلقه می خواهیم به توضیح شماری از عناصری که بخش های مهم آن را تحت پوشش خود گرفته است، بپردازیم.

۱–جهانی شدن اقتصادی:

طوریکه "احسان بوحلیقه" یکی از دانشمندان صاحب نظر در این عرصه می گوید:

"ادبیات جهانی شدن، در بزرگ نشان دادن نیروی اقتصادی خیلی ها صراحت داشته و دولت های دوست دار جهانی شدن هم همان دولت های برخوردار از برتری اقتصادی اند که به آنان امکان می دهد، تا منافع ومصالح خویش را بر جهان تحمیل نمایند."(۱)

جهانی شدن همان طور که گذشت–پدیده ای است، وابسته به کنفرانس ها و سازمانهای اقتصادی، چون سازمان "گات" و"سازمان تجارت جهانی" .W.T.O روحیه عمومی حاکم به این کنفرانس و سازمان ها طوریکه از عناوین مهم آن آشکار می شود، همانا آزاد سازی، بازارها، خصوصی سازی موسسات و دور ساختن دولت، در حد ممکن از مشارکت اقتصادی و وظایف اجتماعی مربوط به جنبه های اجتماعی آن می باشد.

درک ابعاد مثبت و منفی در حرکت جهانی شدن برای آن هائیکه مصروف تحلیل این قرار دادهای پرشاخ و برگ و پرپیچ و خم اند کار آسانی نبوده، چه رسد به درک و استنباط اهداف ایدیولوژیکی موجود در ورای آن ها که کاری است بس مشکلتر از آن. از همین جهت است که ما شاهد جهت گیری های متفاوتی در میان متصدیان امور در این عرصه می باشیم.

ولی آن دسته کارهای که اختلافی پیرامون آن در این عرصه نمی باشد، عبارت اند از:

– روابط میان دولت ها و یا شرکت ها، روابط رقابت و کشمکش برسر ربودن سود و پیشی گرفتن از دیگران در این عرصه.

– سبقت و غلبه و متعاقب آن سلطه، از آن قدرت های نیرومند اقتصادی بوده و شکست و فروپاشی نصیب ناتوانان عرصه اقتصادی خواهد بود و بس. مهارت و شطارت در این بازی های رقابتی–طوریکه ابوالفتوح می گوید– خود سبب اصرار همیشگی در جمع نمودن کشورها برای عضویت در منظومه اقتصادی غربی تحت چتر جهانی شدن و تخویف از شامل نه شدن در این حرکت است.

تشکیل مجلس سران اقتصادی "دافوس" را به حیث یک گام تکمیلی کنفرانس های قرار داد تجارت بین المللی، در همین راستا می توان به تحلیل گرفت.

هدف قرار داد های تجارت جهانی، همانا باز گذاشتن بازارهای جهانی به روی تولیدات غربی بدون هرگونه عواثق و ضوابط است.

به این اساس تولیدات محلی توان رویا رویی و رقابت با تولیدات وارد شده را نداشته و باعث آن می شود که بخش های زیادی از فعالیت های اقتصادی ملی تعطیل گردد که بدیل آن بسنده کردن به اموال وارداتی است و بس که بدیلی است کوتاه مدت، چه در چنین حالتی پشتوانه های عایدات مالی خشک خواهدگردید، و در نتیجه این رکود تورم اقتصادی، تورم پولی رو به تزاید خواهد رفت، ویا پشتوانه های اقتصادی به شرکت های فراملیتی بدلیل اصلاحات اقتصادی و پیوستن به کاروان رقابت جهانی و ... فروخته خواهد شد.(۲)

آری! هدف اساسی در این گیرودار، همین است بس.

گاه چنین هم می شود که این شرکت های بزرگ، شرکت های کوچک را خریداری نکرده ولی از آن ها با وصف آن که در ملکیت صاحبان خود قرار دارند، استفاده می برند. پیرامون جهانی شدن اقتصادی نظرهای بدبینانه وخوشبینانه، وجود دارد که می شود از آن ها در حلقات دیگر پیرامون آن بحث صورت گیرد، ولی آن چه در این جا میتوان نسبت به آن اشاره یی بعمل آید این است که این حرکت جهانی شدن اقتصاد که دولت ها به سوی آن در حرکت اند ولو که بربنیاد فیصله ها و قرار دادها استوار است، مگر در عرصه عمل همه آن ها به حساب منافع قدرت های بزرگ است.

آنچه میان دولت های اروپائی بامصر – به ادعای اینکه منسوجات مصری بازارهای اروپائی را فرا خواهد گرفت– به وقوع پیوست، خود بیانگر مطلب فوق است که در نتیجه بحران به میان آمده از این رهگذر تجارت مصر متحمل ۴۱ فیصد خساره در عرصه صادرات خود گردد.

حسنی مبارک رئیس جمهور مصر، در کنفرانس "دافوس" به گریز دولت های اروپائی، از انجام وعده های "جهانی شدن"، توسط برخی پرسش های مطروحه خود اشاره نموده و گفت: آیا جهانی شدن طرفی را ملزم قرار می دهد و طرفی از آن الزام بدور اند؟ آیا دولت های رو به انکشاف مکلف اند که جهانی شوند و از دولت های صنعتی جز پشت کردن به وعده های آغازین خویش، چیزی دیگری را، نه بینیم (۳)

۲–جهانی شدن فرهنگی:

جهانی شدن فرهنگی پرخطر ترین میدان دعوت جهانی شدن را تشکیل داده که همه عرصه های دیگر را تحت الشعاع خود قرار داده است.

زبان های مادی –چه تعویض شوند و چه تعویض نه شوند– هرگز به زبان های فرهنگی قابل مقایسه نمی باشد.

زیرا این زبان ها منجر به نابودی دین، ذوب هویت و فساد اخلاقی گردیده و از همین جهت می توان از آن به فنا و نابودی تمدن تعبیر کرد.

جهانی شدن در عرصه فرهنگی خواهان چوکات بندی یک فرهنگ مادی فراگیر است که پهلوهای مختلف فعالیت های انسانی را تحت سیطره خود قرار می دهد.

البته در این جا، رویکرد دیگری وجود دارد که در راه ترسیم یک روش اخلاقی ملزم هستی شمول تلاش می ورزد.(۴)

۱–التماسیح تستحوذ علی اسماک البحیره، نوشته احسان بو حلیقه مجله، المعرضه، محرم ۱۴۲۰.

۲–مجله البیان: العولمه حلقه فی تطور آلیات السیطره نوشته، خالد ابو القنوح، ذوالحجه ۱۴۱۹هـ.ص۹۷.

۳–التماسیح تستحوذ علی اسماک البحیره مجله المعرفه شماره محرم ۱۴۲۰ ص۳۴.

۴–ظاهره العولمه ص۱۰۴.

ادامه دارد

مولانا مصرع ...

فشان از ابر رحمت رشحه یی برکشت امیدم
زجوی فیض سرسبزی ببخشا نخل باغم را

نمونه هایی ازشعر وی که اصطلاحات محلی مردم بدخشان را در آن آورده است:

بدهر چهره مقصد نـدیدگی دلکم
بزیر بار مشقت خمیدگی دلکم
زجام عیش و خوشی ناچشیده گی دلکم
چگونگی به الم آرمیدگی دلکم
نه آرزو به یکی نا رسیده گی دلکم

●

آمد از طرف چمن نوگل خندان یللی
ریخت لعل وگهرم زان لب خندان یللی
کی ستمکش چه مرا نذر خرام آوردی؟
گفتم اینک به نثار تو دل و جان یللی

یللی در اصطلاح محلی مردم بدخشان به چیزهای خوب و شایسته که در برابر آن تحسین گفته شود، اطلاق می شود.

در سوگ پسر نوجوان خود می گوید:

ای ضیای چمن وحسن گلستان پدر
وی گل (گل شکف) زینت بستان پدر
سیر نادیده جهان طفل دبستان پدر
بس نه بود آن الم فرقت اخوان پدر
که زدی آتش غم را به دل وجان پدر

●

ابیاتی چند ازغزلی به استقبال بیدل

پیش بی دردان مکن خالی دل رنجور را
رایگان برهم مزن یکباره این گنجور را
بندگی موقوف ازقید فنا وارستن است
شرع تکلیف عبادت کم کند معذور را
آب هم کافی دراطفای شرار عشق نیست
زان انا الحق کم نشد خاکستر منصور را
گرچه معذورم زخدمت پایه عجزم رساست
بیشتر باشد تقرب با سلیمان مور را
از تردد جز همین شور حوادث برنخاست
بیش از این (مصرع) مشوران خانه زنبوررا

●

گریه مظلوم آب خنجر الماس داشت
جان سلامت برد هر کس این نمک را پاس داشت
ازمه نوکن حذر ای جان که دهقان فلک
مزرع انسان درو می کرد تا این داس داشت

■■■

غزل دیگر

خنجر به کف گرفته آمد مرانه کشت
آمد به عزم قتل و نه دانم چرا نه کشت
ماندیم زنده مژده وصل تو یافتیم
ما راغم فراق تو کشت و خدا نه کشت
ایمن مشو زغیر که پیوسته دوست را
لب تشنه جز به بادیه کربلا نه کشت
بگذار از این محیط که همچون حباب موج
کس را نپرورید که آخر ورانه کشت
چون نقد داغ حسرت یاران برم به خاک
حب الوطن هم آنقدر بینوا نه کشت
مصرع براه دوست چرا جان فدا نه کرد
خود را همان به پای محبان فرا نه کشت

●

رباعی

بیهوده زدم لاف اقامت چو حباب
با یک نفسی عمر من خانه خراب
این آه جگر سوز و غم و چشم پر آب
افگنده مرا میانه آتش و آب

مولانا (مصرع) یا به عباره دیگر (داملا عبدالله) بعد از ختم تحصیل از بخارا به بدخشان بر گشت. در سال ۱۲۸۵ هـ.ق. وفات یافت و در قریه فرشته جا ولسوالی راغ به خاک سپرده شد. امید است که روزی دیوان اشعار این شاعر به طبع آراسته گردد تا از خاطره ها فراموش نه شود.

۱– مجله کابل شماره ۶۹ سال ۱۳۱۵هـش.

سیمینار "چگونه می توان ..."

برای مردم است مخالفت ندارد که کاملاً موافق آن است و باید گفت هر مطلبی که به حال جامعهٔ انسانی مفید باشد اسلامی است و باید دانست که د موکراسی یک پدیدهٔ مقدس نیست بدون هیچ نوع تغییر و تفسیری آن را چنان که دیگران تجربه کرده اند بپذیریم. همین اکنون دموکراسی د رجوامع غربی گونه های مختلفی داشته است . تجربه دموکراسی برای ما یک پدیدهٔ تازه یی نیست ما در اسلام بسیاری از مظاهر و ارزشهای راستین دموکراسی را داریم. باید در آوردن دموکراسی به افغانستان فرهنگ و اعراف مردم را در نظر داشته باشیم و آن را با ارزش های دینی و ملی خود وفق دهیم.

آیت الله محسنی گفت:

دموکراسی حکومت بر مردم است ، یعنی باید مردم آزاد باشند و وابسته به خودشان ، اما ما امروز وابسته به خودمان نیستیم، ما مستعمره هستیم. ما تا وقتی اعتماد به نفس نداشته باشیم و مصالح و منافع خود را نشناسیم ودانش وسواد نداشته باشیم ؤ دموکراسی در دمارا دوا نمی کندو از پارلمان بی سواد ولو دموکراتیک هم باشد چیزی ساخته نمی شود. در بارهٔ تفاوت اسلام با دموکراسی گفت: در نظام های دموکراسی غربی معیار ها را پارلمان و مردم هم تعیین می کنند و هم تطبیق، در اسلام معیار ها را خدا و دین تعیین می کند و مردم آنها را تطبیق. سلام برای رئیس دولت دو شرط دارد:

۱–دانشمند باشد

۲–عادل باشد

در بخش دوم،هر یک پوهاند حقایقی استاد فاکولته اقتصاد و محمد ابراهیم ورسجی و دکتر اسحاق زی و دکتر شاه محمد میوندی و خانم امنه در پیرامون مسائلی از دموکراسی و تطبیق آن در افغانستان صحبت کردند.

پوهاند حقایقی از قدرتمندان کنونی انتقاد کرد که در چنین سیمینار هایی شرکت نمی کنند تا از مسائل ومصائب کشور آگاهی یابند چون آنان از راه مردم به قدرت نیامده اند لذا به امور مردم تو جهی نمی کنند و از آن بی اطلاع هستند و پولهای هنگفتی را هزینهٔ رفت و آمد های شان به خارج می نمایند چون خانواده آنان در خارج به سر می برند،

ورسجی در آغاز مقالتش گفت:

امروز سخن گفتن از دموکراسی د رافغانستان مد روزه شده است ، او گفت: من در باره آمدن دموکراسی به افغانستان بسیار آرمان گرایانه فکر نمی کنم ، اگر در افغانستان دموکراسی بیاید که در آن انتخابات آزاد برگزار شود و حقوق بشر رعایت گردد و پارلمان ساخته شود، بسیار کار کلان است . دکتر اسحاق زی که در بارهٔ نقش بازار آزاد در موکراسی سخن می گفت بر ضرورت استفاده از شیوهٔ اقتصاد بازار آزاد در شرایط کنونی اقتصاد تأکید کرد. خانم آمنه در باره حقوق کودکان در نظام دموکراسی، سیف الدین سیحون استاد پوهنتون در بارهٔ نقش و حدت ملی و گروه نژادی افغانستان در آوردن دموکراسی سخن گفتند.

پس از خوانش مقالات مباحثات از سوی شرکت کنندگان صورت پذیرفت. مجلس در۴ عصر پایان یافت و جلسه روز های بعدی بدین منوال ادامه خواهد یافت.

فاکولته شرعیات پوهنتون ...

استاد سید عنایت الله شاداب به نمایندگی ازاستادان فاکولته شرعیات سخن گفت وفارغ التحصیلان را متوجه دشواری کار ور سالت در شرایط کنونی کرد و گفت: اکنون از اسلام قرائتها یی گونه گون ارائه می شود، گاهی اسلام را با تروریزم همسان معرفی می دارند و گاهی آن را همسنگ تحجر و جمودی می خوانند. رسالت فارغ التحصیلان فاکولته شرعیات است که با ارائه چهره واقعی اسلام که همانا چهره صلح خواهانه و خشونت ستیز و تمدن آفرین است رسالت خودرا انجام بدهند و برای این باید منطق زمان رادرک کنندوفراگیرند.چندتن ازفارغ التحصیلان سخن را ندند و تعهد خویش را به ارزشهای والای اسلام و خدمت به مردم و کشور و همکاری با دولت ابراز داشتند.

در پایان تحایفی از سوی محصلان این فاکولته به استادان شان و شماری از مهمانان اهداء شد.

اسرار دقایق حج☆

امام ابو حامد غزالی

در هر یکی از این اعمال (اعمال حج) سری است، و مقصود از وی عبرتی است و تذکیری، وبا یاد آوردن کاری است از کارهای آخرت واصل حقیقت وی آن است که آدمی را چنان آفریده اند که به کمال سعادت خویش نرسد تا اختیار خویش در باقی نکند، چنان که در عنوان مسلمانی پیدا کردیم. ومتابعت هوا سبب هلاک وی است، و تا به اختیار خویش باشد و آن چه کند نه به دستور شرع کند، در متابعت هوا بود و معاملت وی بنده وار نبود. وسعادت وی در بندگی است، و بدین سبب بود که در ملت های گذشته رهبانیت(۱) وسیاحت (۲) فرمودند هر امتی را تا عباد(۳) ایشان از میان خلق بیرون شدندی ویا برسو کوهی شدندی، وهمه عمر مجاهدت وریاضت کردندی. پس از رسول ما علیه السلام پرسیدند که:"چرا سیاحت ورهبانیت نیست در دین ما؟"، گفت:"ما را جهاد و حج فرموده اند بدل آن". پس حق سبحانه وتعالی این امت را حج فرمود بدل رهبانیت که در وی هم مقصود مجاهدت حاصل است، و هم عبرت های دیگر در وی ظاهر است، که حق تعالی کعبه را شریف کرد و به خود اضافت کرد، وبرمثال حضرت ملوک بنهاد، و از جانب وی حرم وی ساخت، وصید ودرختان را حرام کرد تعظیم حرمت وی را، و عرفات بر مثال میدان در گاه ملوک در پیش حرم نهاد، تا آن که از همه جوانب عالم قصد خانه کند. با آن که دانند که وی منزه است از نزول در خانه و در مکان و لیکن چون شوق عظیم بود، هرچه به دوست منسوب بود محبوب ومطلوب بود. پس اهل اسلام در این شوق اهل و مال ووطن خود گذاشتند و خطر بادیه احتمال کردند، وبنده وار قصد حضرت کردند؛ و در این عبادت ایشان را کارها فرمودند که هیچ عقل بدان راه نیابد: چون انداختن سنگ، ومیان صفا ومروه دویدن، برای آن که هرچه عقل بدان راه یابد، نفس (را) بدان انسی باشد، که داند که هرچه می کند برای چه می کند. چون بداند که در زکات رفق درویشان است، و در نماز تواضع خدای جهان است، و در روزه مراغمت (۴) و کسر لشکر شیطان است: باشد که طبع وی بر موافقت عقل حرکت کند وکمال بندگی آن بود که به محض فرمان کار کند، که هیچ متقاضی از باطن وی پیدا نیاید.

و رمی وسعی از این جمله است، که جز به محض بندگی نتواند کرد؛ وبرای این گفت رسول – صلی الله علیه وسلم– در حج برخصوص: "لبیک بحجه حقاً تعبداً ورقاً (۵)".

این را تعبد ورق نام کرد، و آنگه گروهی عجب دارند که مقصود و مراد از این اعمال چیست، آن از غفلت ایشان بود از حقیقت کارها که مقصود از این بی مقصودی است، و غرض از این بی غرضی است، تا بندگی به دین پیدا شود، ونظر وی جز به محض فرمان نباشد؛ و هیچ نصیب دیگر– عقل را وطبع را – بدان راه نباشد، تا آن خود جمله در باقی کند، که سعادت وی در نیستی و بی نصیبی وی است، تا از وی جز حق وفرمان حق هیچ چیزی نماند.

عبرت های حج

اما عبرت های حج آن است که این سفر از وجهی برمثال سفر آخرت نهاده اند، که در این سفر مقصد خانه است، و در آن سفر، خداوند خانه. پس از مقدمات و احوال این سفر باید که احوال آن سفر یاد می کند، چون اهل و دوستان را وداع کند، بداند که بدان وداع ماند که در سکرات (۶) موت خواهد بود، و چنان که باید که نخست دل از همه علایق فارغ کند پس بیرون شود در آخر عمر، ونیز باید که دل از همه دنیا فارغ کند، اگر نه سفر بروی منغص بود، و چون زاد سفر از همه نوع ها ساختن گیرد و همه احتیاطی به جای آرد که نباید که در بادیه بی برک (۷) بماند، باید که بداند که بادیهء قیامت دراز تر و هولناک تر است.

و آنجا بزاد حاجت بیش است؛ زاد آن بسازد؛ و چون هرچیزی که به زودی تباه خواهد شد با خود برنگیرد، که داند که باوی بماند و زاد را نشاید، و همچنین هر طاعت که به ریا آمیخته بود زاد آخرت را نشاید؛ و چون بر جمازه نشیند (۸) باید که از جنازه (۹) یاد کند، که به یقین داند که مرکب وی در آن سفر خواهد بود، و باشد که پیش از آن که از جمازه فرود آید، وقت جنازه در آید، باید که این سفر وی چنان باشد که زاد آن سفر را بشاید؛ وچون جامهء احرام راست کند تا چون نزدیک رسد جامهء عادت بیرون کند و این در پوشد – و آن دو ازار سپید بود–، باید که از کفن یاد کند، که جامهء آن سفر نیز مخالف عادت این خواهد بود؛ و چون عقبات وخطرهای بادیه بیند، باید که از منکر و نکیر و عقارب وحیات (۱۰) گوریاد کند: که از لحد تا حشر بادیهء عظیم است با عقبه های بسیار و چنان که بی بدرقه از آفت بادیه سلامت نیابد، همچنین از هول های گور سلامت نیابد، بی بدرقهء طاعت ها، و چنانکه در بادیه از اهل و فرزندان و دوستان تنها ماند، در گور همچنین خواهد بود؛ و چون لبیک زدن گیرد، بداند که این جواب ندای خدای تعالی است، و روزقیامت همچنین ندا به وی خواهد رسید از آن هول بیندیشد، و باید که به خاطر این مستغرق باشد.

علی بن الحسین –رضی الله عنهما– در وقت احرام زرد روی شد و لرزه بر وی افتاد و لبیک نتوانست زد، گفتند: "چرا لبیک نگویی؟"، گفت:"ترسم که اگر بگویم، گویند: "لا لبیک ولا سعدیک"، چون. بگفت، از شتر بیفتاد و بیهوش گشت: و احمد بن ابی الحواری مرید ابو سلیمان دارانی بود، حکایت می کند که "بوسلیمان درانی وقت لبیک نگفت، تامیلی برفتند و بیهوش شد، و به هوش آمد، گفت: حق تعالی به موسی علیه السلام– وحی کرد که ظالمان امت خود را بگوی که تا نام من نبرند و مرا یاد نکنند: که هر که مرا یاد کند من وی را یاد کنم، و چون ظالم باشد ایشان را به لعنت یاد کنم"، و گفت: "شنیده ام که هر که نفقهء حج از شبهت کند، و آنگاه لبیک گوید، او را گویند: لالبیک ولاسعدیک، حتی تردما فی یدیک(۱۱)".

و اما طواف وسعی بدان ماند که بیچارگان به در گاه ملوک شوند، و گرد کوشک (۱۲) ملک می گردند تا فرصت یابند که حاجت خویش عرضه کنند، و در میدان سرای می شوند و می آیند وکسی را می جویند که ایشان را شفاعت کند، و امید می دارند که مگر ناگاه چشم ملک بر ایشان افتد و به ایشان نظری کند، ومیان صفا و مروه مثل آن میدان است.

و اما وقوف به عرفه و اجتماع اصناف خلق از اطراف ودعا کردن ایشان به زبان های مختلف به عرصات (۱۳) قیامت ماند که همه خلایق جمع شده باشند و هرکسی به خویشتن مشغول، و متردد میان رد و قبول.

و اما انداختن سنگ، مقصود وی اظهار بندگی است. – برسبیل تعبد محض– ودیگر تشبه به ابراهیم (صلوات الله علیه)که بدان جایگاه ابلیس پیش وی آمده است تا وی را در شبهتی افگند، سنگ بر وی انداخته است، پس اگر در خاطر تو آید که شیطان وی را پیدا آمد و مرا پیدا نیامده است، بیهوده سنگ چه اندازم، بدان که این خاطر ترا از شیطان پیدا آمد، سنگ بینداز تا پشت وی بشکنی، که پشت وی بدان شکسته شود که تو بندهء فرمان بردار باشی، و هرچه ترا گویند چنان کن، همچنان کنی، و تصرف خویش در باقی کنی، و به حقیقت بدانی که بدین انداختن سنگ شیطان را مقهور می کنی.

این مقدار اشارت کرده آمد از عبرت های حج، تاکسی چون راه این بشناسد، بر قدر صفای فهم وشدت شوق و تمامی جهد درکار، وی را امثال این معانی نمودن گیرد، و از هر یکی نصیبی یافتن گیرد: که حیات عبادت وی بدان بود، و از حد صورت ها دور تر شده بود.

پی نوشت ها:

☆ بر گرفته از کیمیای سعادت، با افزودن کلمه های بین قوس ها و اندکی تصرف در شیوهء نگارش جهت هماهنگی با طرز املای معمول کنونی.

۱–گوشه گیری از مردم برای عبادت.
۲–جهان گردی برای عبادت و رهبانیت.
۳–پارسایان.
۴–به خاک مالیدن و به زمین زدن.
۵–"به درگاهت به حجی حاضر شده ام، صادقانه به بندگی و بردگی".
۶–بی هوشی های هنگام مرگ.
۷–بی وسیله، بی اسباب.
۸–شتر تندرو.
۹–تابوت.
۱۰–جمع حیه: مارها.
۱۱–لبیک وسعدیک تو پذیرفته نیست تا آنچه در دست داری به صاحبانش رد نکنی.
۱۲–قصر.
۱۳–میدان ها.

نگاهی دیگر برچگونگی ارزش...

لمس به رخ بازار ترافیک کشوده نیست. وضعیت اسفبار سالنگ ها به عنوان مثال قابل تذکر است که تا حال برنامه یی برای اعمار مجدد و ترمیم اساسی آن وجود ندارد. تولید در کشور، خواه تولید زراعتی ، خواه تولید صنعتی در نازل ترین درجه ممکن قرار دارد.

افغانستان هنوز برای استخراج و بهره برداری از معادن و ذخایر زیر زمینی خویش کفایت وامکانات لازم را ندارد و معلوم نیست چه زمانی این قابلیت را به دست خواهد آورد تا حد اقل در بدل یک دوقلم ذخایر عظیم طبیعی خود، بتواند شر یان های اقتصادی خودرا گرما وحرارت بیشتر بخشد. در صورتی که بانک مرکزی هیچ منبع جدی در آمد ملی در اختیار ندارد با کدام ضمانتی مدعی رشد ارزش افغانی در بدل اسعار خارجی می شود. با وجود آنکه داد وستد های کلان در بازار ما با کمال تعجب به وسیلهٔ اسعار خارجی عمدتاً با کلدار پاکستانی صورت می گیرد.

و تعجب آوراست که سیاست بانک مرکزی در بازار حتا در بازارهای کوچک به هیچ وجه طرفدار منع رواج خرید و فروش توسط کلدار یا دالر نیست.

معلوم نیست چرا و بر اساس کدام دلایلی بانک مرکزی برای جلوگیری از حضور کلدار یا دالر در جایگاه پول افغانی اقدام سالمی نمی کند.

ابتدایی ترین تصور ما در باره ضرورت چاپ و انتشارپول جدید این است :

مسوولین امور مالی شتابزده عمل کرده اند، تا مبادا کسانی دگری در دوره های بعدی این مدال افتخار را از ایشان بر باید. لازم بود این ها واقع بینانه و آرام، دو سه سال را به انتظار سپری می کردند، تا افغانستان موجود برعمده مسایل و دشواری های اقتصادی خویش فایق می شد و منابع و امکانات موجود و قابل دسترس خودرا به فعالیت و بهره برداری می کشید، آنگاه دست به این اقدام زدند، تا پول جدید در واقع صاحب پشتوانه با اعتبارو غیر قابل بر گشت ملی می بود.

مسوولان امور مالی باید بدانند؛ آنها با این اقدام شان هر چند در ظاهر امر بردوام یک چلندی رمق پول های کهنه پایان داده و رونق جدیدی وارد بازار کرده اند، اما در قدم نخست گرانی این با رسنگین شانه های آسیب پذیرترین قشر جامعه یعنی مامورین دولت را بازهم خمیده تر کرده است ، جرا که بالا رفتن دوچند یا سه چند قیمت برخی مواد مهم مورد ضرورت خانواده ها، نتیجهٔ مستقیم چاپ پول جدید است.

در این صورت کدام مرجعی به این قشر بی بضاعت جامعه تاوان این بار کمر شکن را پرداخت خواهد کرد؟

آقایان ممکن است ازروی معاش ماهوار وسایر امتیازات خودشان که شاید هزار برابر بالاتر از حقوق کارمندان دولت است قضاوت می کنند، حقوقی که هر ماه از طریق کیسه های انباشتهٔ I.O.M در اختیار ایشان قرار داده می شود. حضرات مسوول ! افتخار به شماکه با قبول این همه تبعیض وحشتناک مادی که میان شما و مامورین فاقه کش دولتی وجوددارد بازهم سنگ خدمت گذاری به مردم را بر سینه می زنید!

جهان در سال ۲۰۰۲

مجتبی مهر ورز

۲۷ جنوری

بیش از هزار نفر در آتش سوزی که به دنبال انفجارات و شورش در بارک های نظامی در نایجریا صورت گرفت، هلاک گردیدند.

۲۹ جنوری

رئیس جمهور بوش طی یک سخنرانی مهم در کانگرس آن کشور اعلان نمود جنگ علیه تروریزم نو آغاز گردیده و خطر "محور شرارت" "Axis Of Evil" جدی است. محور شرارت اشاره به ایران، عراق و کوریای شمالی است.

۱۲ فبروری

محاکمه سلوبودان میلوسویچ رئیس جنایتکار سابق یوگوسلاویا در دادگاه بین المللی هاک به جرم کشتار دسته جمعی مسلمانان آغاز گردید.

۲۰ فبروری

بر اثر فاجعه قطار آهن مصر ۳۶۳ نفر به قتل رسیده و ۶۶ تن دیگر مجروح شدند.

۲۰ فبروری

دانیل پیرل خبرنگار امریکایی که در پاکستان به تاریخ ۲۳ جنوری اختطاف گردیده بود، گردن زده شد.

☆حکومت سریلانکا و شورشیان ببرهای تامیل بعد از سی سال جنگ خونین موافقتنامه آتش بس را امضا نمودند.

۲۷ فبروری

بر اثر خشونت مذهبی چهار روزه در گجرات هند ۵۰۰ نفر به قتل رسیدند.

۲۸ فبروری

بر اثر درگیری میان مبارزین فلسطینی و قوای اسرائیلی در کمپ آوارگان در شهر جنین، سیزده فلسطینی ویک سرباز اسرائیلی به قتل رسیده و یکصد و سی وپنج فلسطینی مجروح گردیدند.

۲۸ فبروری

یورو واحد پول اتحادیه اروپا بعد از دو ماه چلند در پهلوی دیگر پول های اتحادیه اروپا، جای پول های کهنه را گرفته و رسمیت یافت و دادوستد به دیگر پول ها فسخ گردید.

۳ مارچ

۵۴ فیصد مردم سویس طی یک ریفرندم پیوستن به اتحادیه اروپا را تایید نمودند.

۹ مارچ

در اثر دو عملیات انتحاری در شهرهای بیت المقدس و نیتانیه چهارده اسرائیلی به قتل رسیده و بیش از ۱۵۰ تن دیگر زخمی شدند. قوای اسرائیلی در این انفجارات، مقر فرماندهی یاسر عرفات رهبر اداره خود گردان فلسطین را ویران نمود.

۱٦ مارچ

مونتی نیگرو وصربستان با امضای معاهده یی کشور جدیدی به نام مونتی نیگرو صربستان به جای یوگوسلاویا سابق را امضا نمودند.

۱۵ مارچ

یک خانم جاپانی با یکصدو چهارده سال عمر ریکارد جدیدی در طول عمر قایم نمود.

۱۵ مارچ

یک زلزله شدید شهر نهرین و اطراف آن را شدیداً تکان داده که بر اثر آن دوهزار نفر به قتل رسیده و ده هزار نفر بی خانه گردیدند.

۲۷-۲۸ مارچ

اتحادیه عرب طی نشستی در بیروت، خروج قوای اسرائیلی را از سرزمین های اشغالی به شرط اعاده روابط با آن کشور اعلان نمودند. و همچنان بر اثر یک حمله انتحاری در شهر نهتانیه بیست ویک اسرائیلی به قتل رسیدند.

٤ اپریل

شورشیان یونیتا و حکومت انگولا بعد از ۲۷ سال درگیری که ۵۰۰۰۰ قربانی داشت معاهده آتش بس را امضا نمودند.

۵-۱۲ اپریل

بر اثر عملیات قوای اسرائیلی بیش از صد فلسطینی کشته شدند.

۳۰ اپریل

جنرال پرویز مشرف طی سازماندهی ریفراندمی برای پنج سال خود را رئیس جمهور آن کشور خواند.

۳ می

اتحادیه اروپا معاهده جزای مرگ را امضا نمود.

۳ می

رئیس جمهور بوش با صدور فرمانی روابط تجارتی را با افغانستان اعاده نمود.

٥ می

ژاک شیراک به حیث رئیس جمهور فرانسه انتخاب گردید.

۷ می

بر اثر یک انفجار انتحاری در فلسطین، هفده اسرائیلی به قتل رسیده و ۵۰ تن دیگر زخمی شدند.

۸ می

بز اثر یک انفجار در موتر سرویس در کراچی پاکستان چهارده نفر به شمول یازده فرانسوی به قتل رسیدند.

۱۲ می

جیمی کارتر رئیس جمهور سابقه و یک تن از اعضای بلند پایه آن کشور برای اولین بار بعد از سال ۱۹۲۸ از کوبا دیدن نمود.

۱۸ می

هند در پی عملیات چریک های کشمیری به پارلمان آن کشور که ۳۵ قربانی داشت سفیر پاکستان را از آن کشور اخراج نمود. هند با عزام یک ملیون سرباز و پاکستان نیم ملیون سرباز در آستانه جنگ قرار گرفتند. بر اثر واژگون شدن یک قطار هند ۷۰۰ نفر به قتل رسیدند.

۱٤ جون

بر اثر انفجار بمب در پهلوی قونسلگری امریکا در کراچی ۱۲ پاکستانی به قتل رسیده و ۵۰ تن دیگرزخمی شدند.

۱۸ جون

بر اثر عملیات انتحاری در یک بس در اسرائیل ۱۹ اسرائیلی و یک بمب گذار کشته شدند.

۲۱ جون

اسرائیل تمام قلمرو اداره خود گردان فلسطینی ها را اشغال مجدد نمود.

۲۲ جون

بر اثر یک زلزله درایران ۵۰۰ نفر کشته، ۲۰۰ زخمی و ۱۲۰۰۰ بی خانه گردیدند.

۳۰ جون

برازیل با دو مقابل صفر جرمنی را در مسابقات بین المللی فوتبال که برای بار اول در آسیا برگزار گردیده بود، شکست داد.

۲۰ جولای

حکومت سودان و شورشیان جنوب آن کشور بعد از ۱۹ سال درگیری، آتش بس برقرار نمودند.

۲۵ جولای

ولادیمیر پوتین با امضای قانونی، اجازه دادتا بخش زراعت برای اولین بار بعد از انقلاب بلشویک ها خصوصی شود.

۱۹ جولای

جدایی طلبان چیچین با سقوط دادن یک طیاره نظامی روسیه ۱۲۱ سرباز آن کشور را به قتل رسانیدند.

۱۰ سپتامبر

سویس یکصدو نودمین کشور عضو ملل متحد شد.

۲۲ سپتامبر

گرهارد شوردر به حیث صدر اعظم جرمنی دوباره انتخاب گردید.

۲٦ سپتامبر

بر اثر غرق شدن یک کشتی در سینگال ۱۲۰۰ نفر کشته شدند.

۱۰ اکتوبر

ایمر کتریز نویسنده هنگری در بخش ادبیات و روز بعد جیمی کارتر جایزه صلح نوبل را بردند.

۱۲ اکتوبر

بر اثر انفجار بمبی در بالی در اندونیزیا ۱۹۰ نفر کشته و ۱۷۵ نفر زخمی شدند.

۲۳-۲٦ اکتوبر

شورشیان چیچینی بیش از ۸۰۰ تماشاچی را درتیاتری در مسکو گروگان گرفته و خواهان خروج قوای روسیه از آن جمهوری جدایی طلب گردیدند که در پی عملیات کماندوهای روسیه تمام ۴۱ گروگانگیر به شمول ۱۹ خانم و یکصدوبیست ونه گروگان به اثر استنشاق گاز خواب آور سریع به هلاکت رسیدند.

۳۰ اکتوبر

حکومت ائتلافی اسرائیل سقوط کرد.

۳۱ اکتوبر

بر اثر زلزله در ایتالیا ۲۷ شاگرد خورد سال مکتبی به هلاکت رسیدند.

۳ نوامبر

حزب عدالت و توسعه ترکیه به پیروزی چشم گیری نایل آمده و بعد از پانزده سال، ترکیه شاهد حکومت تک حزبی گردید.

٦ نوامبر

یک کشتی غول پیکر نفت کش فرانسوی با ۶۴۰۰ تن نفت در پی تصادم با یک قایق مربوط افراد اسامه بن لادن در آب های یمن آتش گرفت.

۸-۱٤ نوامبر

حزب کمونیست چین شاهد تغییرات مهمی در سطح رهبری بوده است.

جینک زیامین رئیس جمهور وعده یی از رهبران کهن سال جای خویش را به افراد جوان سپردند.

۸ نوامبر

قطعنامه ۱۴۴۱ شورای امنیت که توسط ایالات متحده امریکا تهیه گردیده بود به عراق هفت روز فرصت داد تا لست مکمل سلاح های کشتار دسته جمعی خویش را تسلیم هیأت مفتشین ملل متحد نماید در غیر آن با حمله نظامی امریکا و انگلیس مواجه خواهد شد.

۱۷ نوامبر

جیولیو صدر اعظم پیشین ایتالیا، ۸۳ ساله، به جرم قتل یک ژورنالیست در سال ۱۹۷۹ به ۲۳ سال حبس محکوم گردید.

۲۰-۲۲ نوامبر

بر اثر شورش مذهبی در نایجریا که در پی مقاله ضد اسلام در یکی از روزنامه ها صورت گرفت ۲۲۰ تن کشته و ۶۰۰ تن دیگر زخمی شدند. سازماندهندگان ملکه زیبایی مجبور گردیدند محل مسابقات را به لندن انتقال دهند.

۲۸ نوامبر

بر اثر یک حمله انتحاری در کنیا در هوتل بودوباش اسرائیلی ها ۱۲ تن به قتل رسیده و همزمان با آن یک فروند موشک که به سوی یک طیاره اسرائیلی در پایتخت کنیا شلیک شده بود با فاصله یک متر از طیاره منحرف گردید.

۲۸ نوامبر

جلسهء وزرای داخله اتحادیه اروپا فیصله نمود تا زمینه بازگشت ۱۵۰۰۰ مهاجر افغان از اروپا به افغانستان را آماده ساخته، این پروسه در اول اپریل ۲۰۰۳ آغاز می گردد.

٥ دسامبر

شورشیان تامیل و حکومت سریلانکا طی مذاکراتی درناروی موافقه نمود که در جنوب برای تامیل ها حکومت فدرالی ساخته شود.

۷ دسامبر

دولت عراق یک راپور دوازده صد صفحه یی به شورای امنیت در باره سلاح های کشنده خویش تسلیم نمود اما بعداً توسط امریکا این گزارش ناقص و فریب کننده خوانده شد.

۹ دسامبر

حکومت اندونیزیا و ایالت آش بعد از ۲۹ سال درگیری و خشونت توافقنامه صلح را امضا نمودند. آش یکی از ایالت های اندونیزیا مانند تیمور شرقی می باشد که آخر الذکر اخیراً از اندونیزیا استقلال گرفت.

پارلمان کشور ...

حکومت کرزی مهر تایید گذاشت برگزیده خواهند شد. مطابق فیصله، اعضای کمیسیون ملی جرگه از هر سی و دو ولایت کشور حتماً یک یک نفر و متباقی اعضای پارلمان به حساب نفوس ولایات، و از میان ارگان های اجتماعی و کتله های مهاجرین داخل و خارج کشور برگزیده خواهندشد.

قرار بود در لویه جرگه اضطراری همانطوری که استاد برهان الدین ربانی پیشنهاد نمودند پارلمان نیز از میان اعضای لویه جرگه انتخاب شود اما بر اثر بی کفایتی گردانندگان لویه جرگه و مشوره های پشت پرده به اصطلاح دوستان افغانی مسأله پارلمان خفه گردید.

در فیصله کمیسیون ملی جرگه تا هنوز روشن نگردیده است این نودوسه وکیل با در نظرداشت کدام معیار ها و برتری انتخاب خواهند شد و همان یک نفر ولایت چطور برگزیده میگردد. با وجود این مردم مصیبت دیده کشور به این امید اند که باز بدون سازش وتقلب این ماموال بزرگ به نیک فالی وخوبی به پایان برسد.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره دهم دوشنبه ۲۳ جدی ۱۳۸۱ - ۱۲ ذوالقعده الحرام ۱۴۲۳ - 13 January 2003

ایران در تحولات افغانستان به ویژه در بازسازی این کشور نقشی مثبت داشته است

دکتر عبدالله وزیر امور خارجه دولت انتقالی اسلامی افغانستان که شب پنجشنبه ۱۹ جدی در یک سفر سه روزه به منظور دیدار رسمی از جمهوری اسلامی ایران په این کشور رفته بود با دکتر سید محمد خاتمی رئیس جمهور و وزیر اقتصاد و وزیر خارجه آن کشور دیدار و گفتگو کرد.
به گفته دکتر عبدالله محور این گفتگو ها ادامه کمک های ایران به روندبازسازی افغانستان بوده است.

طرفین در مورد راه های توسعه روابط دوجانبه و چگونگی جلب کمک ها و سرمایه گذاری بیشتر ایران در بازسازی افغانستان وهمکاری های منطقویی به تبادل نظر پرداختند.
دکتر عبدالله ضمن اشاره به علایق مشترک و پیشینه تاریخی روابط بین دو ملت ایران و افغانستان از نقش مثبت ایران در تحولات افغانستان به ویژه در امر بازسازی قدردانی کرد.



دکتر عبدالله هنگام ملاقات با آقای خاتمی رئیس جمهور ایران

ایران پانزده عراده سرویس به وزارت معارف اهداء نمود

جمهوری اسلامی ایران پانزده عراده سرویس را به وزارت معارف افغانستان اهداء نمود.
در سفری که چندی قبل محمد یونس قانونی وزیر معارف دولت انتقالی اسلامی افغانستان به ایران داشت، مقامات ایرانی برای بهبود وضعیت تعلیم وتربیه و تحصیلات عالی در افغانستان وعده های کمک وهمکاری دادند که این وعده شامل بورس های تحصیلی پرای محصلان افغانستان نیز می باشد
قابل یاد آوری است که علاوه از کمک های بشری این دومین کمک ایران در بخش معارف افغانستان می باشد.

جدا سازی کلاسهای دختران از پسران منطبق با اصول اسلامی و سنت های افغانی است

مسوولین تعلیم و تربیه ولایت هرات از گردانندگان و مسوولین مراکز آموزش خصوصی خواسته اند تا صنوف درسی پسران را از دختران جدا سازند. آنها می گویند این تصمیم مطابق اصول اسلامی و ایجابات شرایط کنونی و سنت های افغانی می باشد. ریاست معارف شهر هرات به مسوولین کورس های شخصی هدایت داده اند چون محل تدریسی آنها گنجایش کافی ندارد پس اوقات آمدوشد پسران و دختران متفاوت باشد.هم چنان به مسوولین کورس های شخصی هدایت داده شده است که در قسمت تدریس دختران سعی شود از آموزگاران زن استفاده گردد.
قابل یاد آوری است که معلمان زن در ولایت هرات به طور کافی وجود دارند. این تصمیم در جلوگیری از مفاسد اخلاقی جوانان و نوجوانان و ایجاد زمینه کار برای زنان نقشی مهم وعمده دارد و در تقلیل جرایم مثمر واقع می گردد.

ملت د استادرباني پرتاريخي قرباني وياړي...

استاد وويل لكه څنګه چي په دي نړي كي حكومتونه او سياسي واكمني د ملي او مشروع انقلابونو څني راولاړيږي دغسي مجاهدين هم د جهاد او مقاومت له امله د افغانستان د سياسي حاكميت او واكمني پر حق وارثين دي ، چي نه بنايي څوك تري سترګي پټي كړي.
استاد د ملي يووالي په اړه وويل: چي افغانستان يو موټي هېواد دي ، تاجيك له پښتون او ازبك له هزاره او ... پرته ژوند نه شي كولاي ، لكه څنګه چي د جهاد په دوران كي موږ خپل ملي يوالي وساته دغسي اوس هم د بيارغاوني په دوران كي اوږه په اوږه خپل وران ټاټوبي جوړوو. دا چي موږ محترم كرزي ته قدرت وليږداوه، مفهوم يي داو ، چي د شمال او جنوب په نامه د پرديو دنګډوره چيانو او توطيو مخه ونيول شي.
وريسي مولوي غلام محمد دميلمنو په استازيتوب خبري وكړي، ويي ويل:
له ډيرو توطيو وروسته ، خداي بيرته مجاهدينو ته واك وركړ او ددښمنانو توطيي خنثي شوي ، خو په دي ترڅ كي چا چي ډيره قرباني وركړي وه ، او دجهاد او مقاومت مشرو هغه په خپل اختيار واك كرزي ته وركړ او دا يوه تاريخي قرباني وه . موږ ددي قرباني درناوي كوو او د استاد رباني پر دي عمل ملت وياړي.
مولوي صاحب د كندهار د حالاتو په اړه وويل: چي كندهار د پرديو د ځالو مركز و ، د هغوي كندهار نه ويريږي، ډول ډول توطيي يي وكړي خو دخداي په فضل او د ګل آغا شيرزي په خبر كي د اتولي يو په بل پسي خنثي شوي
په كندهار كي د ولايت د سمي كړي او ټولنيز عدالت له مخي د بيلابيلو اقوامو تر منځ د ورورولي فضا خوره ده ، دغچ اخستني روحيه نه شته، تعصب نه شته او ټول په يوه خوله دي. مولوي صاحب زياته كړه: څوك چي د مجاهدينو له حيثيت نه دفاع كوي تر قيامته به جهادي او د ملت رهبر وي او دا دفاع د استاد رباني په وجود كي انځور شوي ده. موږ خپل جها دي اوملي مشر استاد ته بلنه وركوو چي كندهار ته راشي او د ستر كندهار له عالمانو ، مخورو او سپين ږيرو سره له نږدي وګوري .
د يو بل خبر له مخي د شنبي په ورځ تر غرمي وروسته د كابل د چهارِدهي ولسوالي خلكو استاد رباني ته د درناوي په نښه پګړي پر سر كړه او په دي ترڅ كي استاد دخبرو په يوه برخه كي وويل:
د دموكراسي اصلي معني داده چي حكومت او اداره دخلكو په غوښتنه را منځ ته شي؛ نو زموږ ملت هم حق لري چي د هېواد د ټولو پركنو ممثل حكومت جوړ كړي
بايد ووايو چي د ملت له بيلا بيلو پركنو او اقشارو سره د استاد د ليدني كتني لړي روانه ده

از نامه های آمده

به تنظیف شهر توجه گردد

همشهریان شهر کابل نمای قدیم شهر را به خاطر دارند. که شهری بود کوچک و نه چنین پرازدحام و مردمش بسیار حساس و مهربان و دوست داشتنی.
بلی! به خاطر می آورم، روزی که آقایی بعد از این که کیله یی را تناول نمودپوستش را در جیبش گذاشت تا در آن نزدیکی ها زباله دانی را پیدا کند و آنجا بیندازدش. سر انجام بعد از مدتی پیاده روی چنین زباله دانی را پیدا نکرد و آن را به خانه اش انتقال داد. آری! عزیز شهروند، گویند:

زچاهی که خوری از او آب پاک
نشاید فکندن در او سنگ وخاک

به خاطر حس انسان دوستی و نظافت شهر و نجات از آلودگی های کشنده، آوردن نظم و رعایت سلوک همزیستی لازم می افتد تا متصدیان و مباشران امور مختلفه، شهر دست در ریسمان اتفاق اندازند و آستین همت بر زنند که این امری است از واجبات عینی و کاری است عرفی که بین اکثر مردم دنیا مروج گردیده است که گویند شهر ما خانه، ماست.
متأسفانه بعضی از مسوولین که باید به فکر زدودن وجمع اوری کثافات داخل شهر باشند در فکر ربودن پول هستند

روده تنگ به یک نان جوین پُر گردد
نعمت روی زمین پُر نکند دیده تنگ

بهتر خواهد بود یک کمی مسوولین وظیفه ایمانی و انسانی خویش را بیشتر درک کنند و به فکر این ملت جفاکشیده و محروم باشند. آیا دریای کابل را دیده اید؟ یک قطره از آب آن ممکن هزاران مکروب داشته باشد، اما متأسفانه دیده می شود که سبزیجات خوراکی شهر از قبیل ملی وپیاز وغیره در این دریا شسته می شود و به گمان ایشان پاک می گردد. این سبزی های به گمان پاک شده در تمام نقاط دور و نزدیک شهر پخش می گردد و باعث ده ها مرض ساری و مُهلک می گردد. پیاده روها از ازدحام و کثرت دست فروشان و ریخت وپاش کثافات شبیه به کثافت دانی ها گردیده است وآشکارا از دست فروشان جهت ادامه کار توسط این وآن رشوه اخذ می گردد و آزادانه می توانند شهر را مزدحم و کثیف و بدبو و برای عابرین درد سر ایجاد نمایند. آیا کسی هست تا درد ملت را بشنود و اگر مشکلی حل نمی گردد مشکلاتی اضافه نگردد.
از جمله قوانین شهرداری کشور های پیش رفته این است تا اگر کسی در پیاده رو می افتد و می میرد احدی حق ندارد بالای سر او ایستاده شود و نگاهش کند تا مبادا مانعی برای عابرین ایجاد شود. این وظیفه موظفین شهرداری است که مرده را بردارند و انتقالش دهند، نه آن که کسی نگاهش کند و مشکلی برای عابرین ایجاد نماید چه خوب است زبان حال با این شعر بلند باشد:

من آن مورم که در پایم بمالند
نه زنبورم که از دستم بنالند
کجا خود شکر این نعمت گزارم
که زور مردم آزاری ندارم

محمد شفیق "رسولی هروی"